

پرونده ویژه حقوق بشر آمریکایی «بخش اول، محیط زیست»

تیشه لیبرالیسم به ریشه زندگی



محمد جعفری
روزنامه نگار

تعبیر «حقوق بشر» اگرچه در نگاه اول بیش از هر چیز موضوعاتی چون حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را به ذهن متبادر می‌سازد و سخن گفتن از آن، از قضا در برداشت اول نقض این حقوق در جای جای دنیا را تداعی می‌کند، اما به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین شاخه‌های آن را باید محیط زیست سالم دانست. حفاظت از محیط زیست کره زمین برای بشری که روی آن زندگی می‌کند با حفاظت از سلامتی و بقای او روی این کره پیوسته است.

در این نگاه دو مقوله محیط زیست و حقوق بشر رابطه‌ای مستقیم و پیوندی تنگاتنگ دارند. ارتباطی که شاید با نظر به چالش‌هایی چون مساله آلودگی هوا، آلودگی آب، آلودگی صوتی، مساله پسماند فضای سبز و... در دنیای امروز قدری شفاف تر جلوه گر شود.

با این توضیح می‌توان تحت عنوان «حقوق بشر زیست محیطی» از حق داشتن هوا، آب، زمین و... سالم سخن گفت و این مجموعه را آن دسته از حقوقی دانست که به مساله حمایت از محیط زیست پیوند می‌خورند و انسان‌ها

از آن جهت که در محیط زیست زندگی می‌کنند برای رشد مناسب و سلامتی خویش باید از آنها بهره‌مند باشند. به بیان دقیق‌تر حق سلامتی و تندرستی، محافظت در مقابل خطرات زیست محیطی که می‌تواند در درازمدت سلامتی انسان‌ها را تهدید کند، حق برخورداری از یک معیار بالای سلامتی جسمی و روحی، حق برخورداری از سطح زندگی مناسب، حق داشتن غذا و... همگی وابسته به محیط زیستی است که بتواند حیات بشر را تضمین کند. درک این بدیهیات اگرچه دشوار نیست اما پایبندی به آن تا حد زیادی منافع اقتصادی برخی دولت‌ها را به خطر می‌اندازد. منافعی که زمینه‌ساز بر تولید و انتشار گازهای گلخانه‌ای و جدی نگرفتن پیمان‌های بین‌المللی مرتبط با آن فراهم می‌آورد. این مساله اگر چه با شدت و ضعفی متفاوت، رویه‌های عمدتاً مرسوم در میان کشورهای صنعتی به شمار می‌آید اما در میان این کشورها رفتار ایالات متحده آمریکا اهمیت دو چندان دارد.

گازهای گلخانه‌ای

پدیده گازهای گلخانه‌ای را باید یکی از بلایای خودساخته بشر دانست. پدیده‌ای که گرم شدن زمین و پیامدهای آب و هوایی ناخوشایندی همچون، کاهش منابع آبی، ناپایداری‌های بزرگ جوی و افزایش سیل‌ها و توفان‌ها، از دست رفتن زمین‌های کشاورزی و در نتیجه کاهش محصولات کشاورزی و به خطر افتادن امنیت غذایی ملت‌ها را به دنبال دارد. به باور کارشناسان، میانگین درجه حرارت آب و هوای کره زمین در قرن گذشته در هر سال ۰/۶ درجه سانتی‌گراد افزایش یافته که بخش اعظم این افزایش به دلیل افزایش سطح تولید گازهای گلخانه‌ای است. گازهایی که ۲۵ درصد آن فقط در آمریکا با توسط این کشور در دیگر نقاط دنیا تولید می‌شود. از جمله خطرناک‌ترین گازهای گلخانه‌ای تولید شده در سطح جهان را می‌توان گازهای دی‌اکسید کربن، متان، اکسید نیتروس، هیدروفلوروکربن، پری‌فلوروکربن و هگروفلوراید سولفور و بخار آب دانست که به وفور توسط کارخانه‌های بزرگ کشورهای صنعتی تولید می‌شوند. این گازها به علاوه، بر سلامتی انسان نیز تأثیرات مخربی دارند و منشا بسیاری از بیماری‌های صعب‌العلاج محسوب می‌شوند. با این وجود دولت آمریکا بدون در نظر داشتن عواقب شدید برنامه‌های صنعتی خود، همچنان به عدول از قوانین بین‌المللی زیست محیطی و سنگ اندازی در مسیر تلاش کشورهای دیگر برای کاهش هماهنگ اعمال تخریبی ادامه می‌دهد. تن ندادن ایالات متحده به قوانین بین‌المللی در این حوزه البته صرفاً جنبه صنعتی ندارد و ریشه عدول آن از این ضوابط را تا حد زیادی می‌توان در مقاصد نظامی نیز جست‌وجو کرد. به کارگیری تسلیحات هسته‌ای در عملیات‌ها و آزمایش‌های متعدد نظامی، تولید زباله‌های اتمی، آزمایش‌های بیولوژیک و رهاسازی پسماندهای حاصل از این تحقیقات در نقاط مختلف کره زمین، تولید حجم بالایی از زباله‌های الکترونیکی و... همگی مقادیر بالایی از گازهای گلخانه‌ای را تولید می‌کنند و در عین حال ارتباط خاصی نیز با فعالیت‌های صنعتی متعارف ندارند. مضاف بر آن صدور زباله‌ها و پسماندهای ناشی از این فعالیت‌ها به دیگر کشورهای جمله کشورهای فقیر آفریقایی و آسیایی که عملاً توانی برای باز یافتن این زباله‌ها ندارند و به این ترتیب بخش اعظم آنها به‌طور غیراصولی دفن یا در بخش‌های بدون حفاظتی جمع‌آوری و رها می‌شوند، می‌تواند به آلودگی خاک و منابع آبی آن بخش از کره زمین منجر شود. دولت آمریکا اما بدون توجه به عواقب شدید این اقدامات، همچنان در مسیر تلاش‌ها برای کاهش تخریب محیط زیست سنگ اندازی می‌کند. در این ارتباط می‌توان به چند نمونه از پیمان‌های بین‌المللی اشاره کرد که آمریکا تقریباً در مواجهه با همه آنها رویکردی مشابه اتخاذ کرده است.

پیمان کیوتو

پیمان کیوتو را می‌توان اولین و جامع‌ترین پروتکل بین‌المللی در حوزه محیط زیست تلقی کرد. مبنای این موافقتنامه، بر این اساس بود که افزایش انتشار گازهای گلخانه‌ای انسان ساخت بعد از دوران انقلاب صنعتی، عامل اصلی افزایش دمای کره زمین است. از همین رو باید تلاش کرد که انتشار این گازها کاهش یابد. این پروتکل در سال ۱۹۹۷ در اجلاس سالانه اعضای کنوانسیون تغییرات اقلیم سازمان ملل متحد (UNFCCC) تصویب شد و براساس آن عامل اصلی انتشار گازهای گلخانه‌ای کشورهای توسعه یافته تلقی می‌شدند. از همین رو، مطابق این پروتکل ۳۶ کشور صنعتی جهان موظف شدند که تا سال ۲۰۱۲ میزان تولید گازهای گلخانه‌ای خود را نسبت به سال ۱۹۹۰ که سال اوج انتشار این گازها بوده، به میزان ۲/۵ درصد کاهش دهند. به بیان دقیق‌تر در حالی که کنوانسیون چارچوب تغییر آب و هوای سازمان ملل (UNFCCC) کشورهای توسعه یافته را تشویق می‌کرد تا میزان تولید گازهای گلخانه‌ای را کاهش دهند، پروتکل کیوتو آنها را به انجام این کار متعهد می‌کرد. از سویی از آنجا که پروتکل کیوتو تقریباً همه بخش‌های عمده اقتصادی را در بر می‌گیرد، فراگیرترین موافقتنامه درباره محیط زیست و توسعه پایدار تا به حال تلقی می‌شود. اجرای این پیمان اگرچه تا سال‌ها بعد مسکوت ماند اما بالاخره در فوریه ۲۰۰۵ و پس از پیوستن روسیه به آن آغاز شد. آمریکا که در آن دوره با انتشار ۳۶ درصد از انتشار گازهای گلخانه‌ای کشورهای صنعتی و ۲۲ درصد از کل انتشار در مقیاس جهانی جزء کشورهای اصلی منتشرکننده گازهای گلخانه‌ای بود با تأیید اولیه این پروتکل باعث اجماع بر سر آن شد. در ادامه، اما سنای آمریکا با این توجیه که پروتکل کیوتو، فقط کشورهای توسعه یافته را موظف به کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای کرده، مانع از پیوستن ایالات متحده به این پروتکل شد و در نهایت با روی کار آمدن جورج بوش پسر آمریکا رسماً از پیوستن به پروتکل کیوتو سرپا زد. این در حالی بود که در مذاکرات اجلاس کیوتو، آمریکا پیش شرط امضای این توافق نامه را معافیت تمامی عملیات‌های نظامی اش در سراسر جهان از ارزیابی زیست محیطی یا اعمال محدودیت اعلام کرد. پیش شرطی که البته به‌عنوان یک امتیاز انتحاصری، محقق هم شد اما در نهایت دولت بوش به کلی زیر بار می‌زد و کنگره آمریکا نیز ماده قانونی صریحی را تصویب کرد که براساس آن معافیت ارتش آمریکا از هرگونه کاهش مصرف انرژی یا تدابیر مربوط به آن تضمین شد.

کنوانسیون تغییرات اقلیم

علاوه بر پیمان کیوتو کنوانسیون‌های بین‌المللی دیگری نیز وجود دارند که کشورهای صنعتی را ملزم به کاهش گازهای گلخانه‌ای دانسته‌اند. در این ارتباط می‌توان به کنوانسیون تغییرات آب و هوایی بانام رسمی کنوانسیون ساختمانی سازمان ملل درباره تغییرات اقلیم اشاره کرد که در سال ۱۹۹۲ در اجلاس «ریو» تصویب شد. اساسی‌ترین الزام این کنوانسیون نیز مانند پیمان کیوتو همان برگرداندن سطح انتشار گازهای گلخانه‌ای توسط کشورهای توسعه یافته به سطح سال ۱۹۹۰ و تثبیت تولید این گازها در این سطح است. این کنوانسیون نیز با عدم توجه آمریکا و البته برخی دیگر از کشورهای صنعتی روبه‌رو شد.

موافقتنامه پاریس

موافقتنامه پاریس، بعد از شکست پروتکل کیوتو در سال ۲۰۱۲ و ریزش سه‌ساله کنوانسیون تغییرات اقلیم سازمان ملل متحد (UNFCCC) و نیز حمایت کشورهای اروپایی از جمله فرانسه در شهر پاریس به تأیید اولیه کشورهای عضو رسید. این موافقتنامه نیز مانند پروتکل کیوتو، خواستار کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای انسان ساخت شده است. تفاوت بسیار مهم این دو معاهده آن است که موافقتنامه پاریس برخلاف پروتکل کیوتو، کشورهای در حال توسعه را نیز موظف به کاهش انتشار کرده است. تنوع مواجهه آمریکا با این موافقتنامه نیز قابل تأمل بود. دولت وقت آمریکا (دوره ریاست جمهوری باراک اوباما) اگرچه در جریان رایزنی‌ها برای رسیدن به توافق نهایی در پاریس، تلاش‌هایی را انجام داد و رئیس‌جمهور این کشور بارها از لزوم دستیابی و حفظ توافقی در مورد گرمایش زمین سخن گفت، اما با روی کار آمدن ترامپ به یک‌باره سیاست‌های این کشور در این حوزه تغییر یافت و ایالات متحده که از حامیان اصلی موافقتنامه پاریس به‌شمار می‌آمد به دشمن سرسخت آن تبدیل شد. عاقبت نیز به‌رغم پیوستن رسمی این کشور به توافق پاریس و وجود فشارهای بین‌المللی برای ممانعت از خروج، آمریکا از این موافقتنامه خارج شد. اتفاقی که البته چیز جدیدی نبود و یک بار دیگر در مواجهه این کشور با پیمان «کیوتو» رخ داده بود و در کشاکش رقابت‌های داخلی جمهوری خواهان و دموکرات‌ها، توافق منعقد شده در دولت دموکرات‌ها در دوره بعد از سوی جمهوری خواهان نقض شده بود. همان‌طور که در سطور فوق ذکر شد در جریان پیوستن آمریکا به پروتکل کیوتو نیز فرآیند مشابهی رخ داد و در آن معاهده، کلینتون رئیس‌جمهور دموکرات‌ها در سال‌های آخر ریاستش بر کاخ سفید تمام تلاش خود را به کار گرفت تا آمریکا را وارد پروتکل کیوتو کند، اما سنای این کشور که در دست حزب جمهوری خواه بود با تصویب قانونی مانع از این اتفاق شد و با روی کار آمدن جورج بوش پسر، آمریکا رسماً از پیوستن به پروتکل کیوتو سرپا زد.

نقش وزارت دفاع آمریکا در تخریب محیط زیست

ارتش آمریکا را می‌توان یکی از جدی‌ترین عوامل تخریب محیط زیست در سطح زمین تلقی کرد. نهادهای که با اقداماتی چون استفاده بی‌رویه از سوخت‌های فسیلی، تولید عمده گازهای گلخانه‌ای و رهاسازی گسترده آلودگی‌های رادیواکتیوی و شیمیایی در آب، هوا و خاک شدیدترین و گسترده‌ترین تخریب‌ها را به بار آورده است. این درحالی است که هیچ یک از عملیات‌های نظامی وسیع پنتاگون در سراسر جهان، در شمول محدودیت‌های تصویب شده برای تولید گازهای گلخانه‌ای در آمریکا قرار نمی‌گیرند. فراتر از آن، حتی ارتش آمریکا از تمامی موافقتنامه‌های بین‌المللی در مورد شرایط آب و هوا نیز معاف است. براساس گزارش‌های رسمی، پنتاگون روزانه ۳۲۰ هزار بشکه نفت مصرف می‌کند که البته این آمار، سوخت مصرف شده توسط شرکت‌های تابعه‌ای که به صورت خصوصی یا اجاره‌ای با وزارت دفاع کار می‌کنند یا سوختی که در کارخانه‌های اسلحه‌سازی مصرف می‌شود را شامل نمی‌شود! استیو کرتزمن (Steve Kretzmann) از مدیران موسسه بین‌المللی تبادلات نفتی گزارش می‌دهد که «طی جنگ عراق از مارس ۲۰۰۳ تا دسامبر ۲۰۰۷ به مقدار حداقل ۱۴۱ میلیون متر مکعب گاز دی‌اکسید کربن تولید شد که بیش از ۶۰ درصد مقدار کل تولید شده توسط کشورهای دیگر است. اما هیچ‌گاه چیزی در این مورد گزارش نمی‌شود چرا که عملیات‌های نظامی خارجی با توجه به قوانین آمریکا و کنوانسیون تغییرات آب و هوایی سازمان ملل از ارائه گزارش معاف هستند.» به بیان دقیق‌تر اطلاعات و اسناد مربوط به عملیات‌هایی از این دست تقریباً هیچ‌گاه مدنظر نهادهای بین‌المللی مربوطه قرار نمی‌گیرند و به‌رغم شواهد موجود، تأثیر اقدامات ارتش آمریکا روی محیط زیست توسط سازمان‌های مرتبط با محیط زیست نادیده گرفته شده و هیچ اقدامی برای محدودسازی این اقدامات تخریبی انجام نمی‌شود. «باری ساندرز» نویسنده کتاب «منطقه سبز: هزینه زیست محیطی نظامی گری» می‌نویسد: «بزرگ‌ترین یورش به محیط زیست ما در کل کره زمین از طرف یک سازمان انجام می‌شود: «نیروهای مسلح ایالات متحده.» با این حال در طول تاریخ طولانی عملیات‌ها و مانورهای نظامی و جنگ‌ها ارتش آمریکا هنوز مسئولیتی در قبال تأثیرات فعالیت‌هایش روی محیط زیست برعهده نگرفته است.»

آمارها حاکی از آن است که وزارت دفاع آمریکا به‌عنوان بزرگ‌ترین آلوده‌کننده کره زمین در مقایسه با پنج کمپانی بزرگ تولیدکننده مواد شیمیایی آمریکا، به‌تنهایی

بیش از مجموع همه آنها زباله‌های خطرناک تولید می‌کند. رهاسازی اورانیوم، مواد نفتی، روغن‌ها، عوامل شیمیایی سمی و مهم‌تر از آن پرتوهای ساطع شده از بخش‌های آزمایش تسلیحاتی، تنها بخشی از آلودگی‌هایی است که ارتش آمریکا با آن محیط زیست را به سمت نابودی سوق داده است. در این ارتباط می‌توان به هزاران کیلو اورانیوم و زباله‌های رادیواکتیو و زباله‌های بهداشتی سمی ارتش آمریکا اشاره کرد که در منطقه غرب آسیا، آسیای مرکزی، بالکان و... دفن شده و این مناطق را آلوده کرده است. مین‌ها و بمب‌های خوشه‌ای آمریکا هنوز در بخش‌های وسیعی از آفریقا، آسیا، آمریکا لاتین و خاورمیانه پراکنده شده و حتی بعد از جنگ، مرگ‌ومیر و تخریب ناشی از آنها همچنان ادامه دارد. با گذشت چند دهه از پایان جنگ ویتنام، آلودگی‌های دیوکسین، ۳۰۰ تا ۴۰۰ برابر بیشتر از سطح بی‌خطر استاندارد ارزیابی می‌شود. آلودگی‌هایی که منجر به تولد نوزادان ناقص الخلقه و ابتلای وسیع به سرطان در نسل‌های بعدی شده است. اثر رادیواکتیوی بمباران اتمی هیروشیما و ناگازاکی کماکان باقی است. حمله نظامی آمریکا به عراق ۹۰ درصد خاک حاصلخیز این کشور را نابود کرده و این کشور را به‌عنوان یکی از صادرکنندگان غذا، به کشوری که ۸۰ درصد غذای مورد نیاز خود را وارد می‌کند، تبدیل کرده است. مضاف بر آن فقط در این حمله ۱۴۱ میلیون متر مکعب گاز CO2 تولید شد. در خود آمریکا، پایگاه‌های نظامی در راس فهرست آلوده‌ترین مکان‌ها قرار دارند که در آن مناطق مواد سمی همچون پرکلرات و تری کلرواتیلن آب آشامیدنی منطقه، سفره‌های آب زیرزمینی و خاک را آلوده کرده است. آزمایش‌های اتمی انجام شده در جنوب غربی آمریکا و جزایر جنوبی اقیانوس آرام میلیون‌ها هکتار زمین آب و با پرتوهای خطرناک آلوده کرده است. ارتش با بی‌خیالی کامل بشکه‌های زنگ‌زده مواد شیمیایی و حلال‌ها و میلیون‌ها جعبه مهمات مختلف را در پایگاه‌هایش در سراسر جهان به حال خود رها کرده است. بین سال‌های ۱۹۴۶ تا ۱۹۵۸ آمریکا بیش از ۶۰ بمب اتمی را در جزایر مارشال در اقیانوس آرام آزمایش کرد. این درحالی است که مردم گوآم در پایین دست این جزایر زندگی می‌کنند و به دلیل رسیدن آلودگی‌ها به ناحیه زندگی‌شان سطح بالایی از سرطان در بین آنها رواج یافته است. به‌طور کلی بمب‌های شیمیایی ساخت آمریکا تأثیر مخرب فراوانی روی محیط زیست و نسل بشر گذاشته است.